

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نقش مادران در جهت دهی فکری و فرهنگی خانواده

پژوهشگر: فاطمه پورشفیعی

سال ۸۹

## چکیده :

بنام خدا که خلق کننده زیباییهاست. بنام خدا که خلق کننده بشری است که تعقل و فکر را شیوه خود می سازد، تا بداند و بشناسد و عمل کند، تا بداند و بشناسد مفهوم واقعی خانواده را و از خانواده سالم بی بهره نماند. باید خود را بشناسیم، و با شناخت خود معضلات را از جامعه کوچک خانواده دور نماییم و پایداری خانواده را «با ره توشه عقل و دین و حیا که از هم جدا نیست» تضمین کنیم و نقش اساسی مادر را در خانواده و جامعه پر برکت بدانیم و بدانیم و بشناسیم که سعادت زندگی بشر از همان آغاز حرکت بشر از رحم به سوی دنیای پر پیچ و خم است و مادر ایفا کننده نقش اصلی و اساسی در این حرکت سازنده و عظیم است.

راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست

آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست

هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست(حافظ)

کلید واژگان:مکتب اهل بیت (ع)-روح انسانی - معنویت-

## مقدمه :

از میان اوراق بهم فشردده تاریخ جستجوگر نقش مادران در جهت دهی فکری و فرهنگی خانواده هستیم. برآستی زن کیست؟ مقام و ارزش او چگونه است؟ آیا او عزت بخش نقش مادری هست؟ آیا او عزت دهنده و اصالت بخش خانواده است؟ حیثیت و حقوق انسانی او چگونه است؟ حق زن از دیدگاه اسلام چیست؟ آنگاه که زن مسیر فکری و تعقلی خانواده را در نقش مادر ایفا می کند آیا می تواند متحول در فرهنگ خانواده باشد؟ برآستی مادر چگونه می تواند اجتماع کوچک خانه را در معیارهای فکری و فرهنگی سامان دهد و از رشد جامعه دور نماند. آن برگ های تاریخ اسلام برای زنان در نقش مادر عبرت آموز و کافی است؟

پاسخ بر تمام این سؤالات آسان است. هر زمان در هر دوران زنان موفق و ناموفق وجود داشتند. شیوه کاری هر یک از دیگری متفاوت تر بوده است و شاید در یک مقیاس قابل جمع نبودند. در تاریخ زنانی نیز بوده اند که کرامت های اخلاقی و انسانی را بیادگار گذاشته اند. زنان بزرگ و قدرتمند و ایثارگر، زنان مقاوم و موفق، زنانی که ایمان را در لفظ خود معنا بخشیدند، زنانی که دشمن تاب مقاومت در برابرشان را نداشت. زنانی که شایستگی خود را اثبات کردند و فرزندان شایسته را تربیت کردند و باعث افتخار تاریخ شدند. آنان جز فاطمه (س) و زینت (س) کس دیگری نیستند. معلم بودند و آموختند سؤالی در برابرشان بی پاسخ نمی ماند. فرهنگی در برابرشان قدرت ظهور نداشت زیرا آن بزرگواران نمونه تمام عیار فرهنگ های مختلف و متفاوت برای افراد در نژادها و رسوم ها و سنت های مختلف بودند.

آنچه مهم است رشد فکری و تعقلی زن در نقش مادر است و مادر سالم خوب می اندیشد، خوب زندگی می کند و خوب تربیت می کند. با هوی و هوس بیگانه است. فساد را نمی شناسد. خودخواه نیست و تجمل گرا نیست. طمع او را محو لذت های زودگذر دنیا نمی کند و در این مقاله سعی شده است زن و ارزش او در ایفای نقش مادری مورد بررسی قرار گیرد تا سلامتی و آرامش خانواده و جامعه تأمین گردد.

سال ۵۸۶ مجمع دینی فرانسه در بررسی های بسیار به این نتیجه رسید که زن برای خدمت مرد آفریده شده، یونان قدیم هم زن را زائیده شیطان می دانست.<sup>۱</sup>

انگلستان تا قرن پیش برای زن ارزشی قائل نبود و او را جزء جامعه انسانی محسوب نمی کرد.<sup>۲</sup> قبیله بنی تمیم دخترها را زنده به گور می کرد زیرا زن را مایه عار و ننگ می دانست.

ولی دیدگاه اسلام درباره نقش زن کاملاً متفاوت است از آنچه دیگر ادیان و فرقهها به آن می اندیشند. زیرا مکتب اسلام فاطمه را دارد اگر فاطمه نبود مکتب اسلام شکل نمی گرفت. فاطمه مظهر دوستی، عشق و محبت است. فاطمه است که خانواده شکل می گیرد، فاطمه است که حسین (ع) بر قله سعادت و مبارزه طلبی قرار می گیرند. فاطمه است که فاطمه بنت اسد صاحب علی (ع) می شود. فاطمه شیرزن ایمان با فریاد حیدری ظلمت ها را در هم می شکند. فاطمه مظهر خوشنودی خدا بر هر کس که او را دوست دارد و خشم خدا به هر کس که او را دوست ندارد و آزارش دهد. کلامش گویا، ندایش رسالت خاتم الانبیاء، فریادش حیدری بر سر غاصبان و منافقان با تمام این خستگی ها، خانه اش محل مهر و عطوفت بود. فرزندان مقام پدر و مادر را درک می کردند و پدر و مادر جایگاه فرزندان را ارج می نهادند.

فاطمه آنگاه که در گرفتاریها و تنگناها قرار می گرفت بر مبنای عقلی و یقین الهی خود حرکت می کرد زیرا آنجا که عقل مطرح گردد جای مانور عواطف و احساسات نیست. فعالیت او در خارج از خانه به سوی اهداف از پیش تعیین شده بود. اهدافی که مراتبش را خدا مشخص کرده بود. فاطمه مدیر بود. در جهت تحقق اهداف معین با تصمیم گیریهای صحیح زیرا هدفش هدایت انسان و به اجرا در آوردن تشکلات انسانی بود. مدیریت او ذاتی بود بر مبنای علم ذاتی پس کاراترین روش را در سیستم سیاسی و خانوادگی و فرهنگی پیاده می کرد.

علاوه بر آن فاطمه در شکل ارائه آموزه ها و معارف دینی جذابیت خاص اولیای الهی را داشت پس خانه او مکتب تعلیم و تربیت قرار می گیرد. پرسش ها و پاسخ ها رد و بدل می شود. اصول صحیح دینی آموزش داده می شود.

---

<sup>۱</sup> - کتاب نگاهی نو به سیری در نهج البلاغه (از کتاب شهید مرتضی مطهری)  
<sup>۲</sup> - همان

برناردشاو (۱۹۵۰-۱۸۵۶) نویسنده معروف انگلیسی در مورد اسلام می گوید: به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالت های گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد.<sup>۳</sup> او معتقد بود که ایمان به محمد مورد قبول اروپای فردا خواهد بود.

امام علی (ع) به فرزند خویش می فرماید: «بنی اذا كنت فی قوم فعاشر بأدبها؛ فرزندم هرگاه در میان قومی بودی آداب آنها را پاس دار».<sup>۴</sup>

شناخت نیازهای معقول اهل خانه از مهمترین کارهاست. اگر فاطمه و علی این دو بزرگوار جهان اسلام در انجام مسئولیت های خود موفق بودند بخاطر آن بود که به سادگی از کنار جریانات نمی گذشتند و با تفکر و بینش خود برخورد مناسبی را با موضوع مورد نظر داشتند. عزت نفس یکی از عوامل مهم سلامت روان است عزت نفس بهره گیری از استعدادها را در انسان تقویت می کند. عزت نفس به انسان استواری می دهد. انسانی که عزت نفس دارد در برابر مشکلات سر خم نمی کند. عزت نفس زیرکی هوشیارانه را بالا می برد. قوه ادراک و تعقل را در انسان تقویت می کند و او را ذلت ناپذیر می کند.

مکتب ائمه (ع) درس عزت بود. زندگی آن بزرگواران زندگی آگاهانه توأم بر شناخت بود. مسئولیت پذیری و قاطعیت و ابراز وجود به طرز شایسته و ارائه زندگی هدفمند راه و رسم ایشان بود.

زن عنصر مفید خانواده، برپا کننده حقوق خانوادگی. عزت دهنده خانواده، و اصالت بخش خانواده، مدیر کارآمد، وجودش سعه صدر، زبانش شاکر خداوند و در عمل موظف به استفاده صحیح از نعمت های خداوندی است، حرکتش بسوی تکامل معنوی، دلش ایمان قوی و بدور از شرک، دستش عطا کننده زیرا می داند که خداوند آنچه را به او عطا کرده او باید با دست دیگرش انفاق کند. پس زن مغرور نیست تواناییها را می شناسد. نظارت دقیق بر کار و وظایف دارد. فضای روابط خانوادگی را عشق می ورزد و آن عشق را در راه رضای خدا هدیه می کند زیرا فضای خانه را سیرالی ... می داند. ادب را در میان اعضای خانواده نسبت به یکدیگر اصول اخلاقی می داند، آن زن آنجاست که پدر بزرگوار، دخترش را پاره تن خود خطاب می کند. و آن زن، زینب(س) است، زینب (س) زینت زنان عالم، دختر بزرگوار علی (ع) و فاطمه(س)، معیار شناخت ارزش ها. عالمه مکتب نرفته، دارای قوه عاقله و درک بسیار، پس مدیریت صحنه کربلا را در روز عاشورا بعهده می گیرد و اجازه تنها گذاشتن حسین (ع) را به خود و دیگران نمی دهد و فرزندان خود و خانواده عزیز خود را برای کسب عزت اسلام در کنار امام عزیز قرار می دهد. اگر او رنجها را بجان خرید و از مصائب احساس درد نکرد اگر زینب(س) غربت دل حسین(ع) را همچون لشکری قاطع و مصمم آرامش می داد. اگر در برابر مصائب

<sup>۳</sup> - شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام  
<sup>۴</sup> - شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰، صفحه ۲۶۷.

عرفان را به نمایش می گذاشت «مارایت إلاجمیلاً» هدفی جز رضای خدا و پاسداری از دین جدش نداشت. اگر بعنوان زن مسلمان در جهت دهی فکری و فرهنگی خانواده نقش دارد پس او در سیاست و در برابر حوادث تلخ روزگار سرزنش احدی را مؤثر نمی داند پس در برابر ناسزها و دشمنی ها و کینه ها و بی احترامی ها می ایستد زیرا زندگی او زندگی هدفمند است. علاوه بر آن بر اندیشه و تفکر خود مسلط است و حیات طیبه را به نگرش های منفی و استدلال ها و افکار ناپسند حرامیان آلوده نمی سازد.

او سرچشمه عزت و اقتدار و صبر در مصائب است. زینب (س) شجاعت را برای زن ترسیم می کند. زینب خواهر حسین (ع) است. پس تنها زنی است که در یک مقطع زمانی به عنوان نایب معصوم انجام وظیفه می کند و اصالت خانوادگی را در میدان های مختلف مبارزه یادآورد می شود. او مردم را از خواب غفلت و بی باکی بیدار می کند زیرا او سرچشمه توکل و اتصال به حضرت حق است.

علمش اکتسابی نبود او عالمه غیر معلمه بود، بانوی روایی شیعه بود. فصاحت و بلاغت کلامش در میدان های گوناگون دشمن برگرفته از علم نهفته ائمه (ع) بود. اولین مربی او وجود مقدس حضرت رسول (ص) بود پس از آن مادرش فاطمه (س) و پدرش علی (ع) و حسین (ع) سعی بسیار در تربیت و پرورش زینب (س) داشتند، زیرا همه او را برای مصائب بعد از خودشان آماده می کردند. سخنان اهل بیت (ع) نشان دهنده مظلومیت، اتمام حجت و استحکام مبانی اسلام و اثبات معایب و مظالم منافقان بود.

«کل نفس بما کسبت رهینه»؛ هر نفسی در گرو دستاورد خویش است.

هیچ عزمی بالاتر از تقوی نیست.<sup>۶</sup>

امام علی (ع): «بخشش و هدیه هیچ پدری به فرزندش بهتر از ادب و تربیت پسندیده نیست.»<sup>۷</sup>

حضرت رسول (ص): «لان یودب احدکم ولده خیر له من ان یتصدق بنصف صاع کل یوم»<sup>۸</sup>

رسول اکرم (ص) فرمودند: به راستی که اگر یکی از شما فرزند خود را تربیت کند برای او بهتر است از تصدق هر روز به نصف صاع.

<sup>۵</sup> - سوره مدثر، آیه ۳۸

<sup>۶</sup> - نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱

<sup>۷</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵

<sup>۸</sup> - مکارم الاخلاق باب فضل الاولاد

زن امروز، زن شیعه، زن حافظ ارزش ها، زن قرن بیستم، کجایند آنان که تنگناها را بشکافند. و از ظلمت های نادانی، روشنایی دانایی را طلوع دهند. کجایند آن زنانی که در اسارت های عقاید جان می دادند. کجایند آن زنانی که در مصائب و گرفتاریها و سختی ها و بی ارزشی ها نعره جاء الحق و ذق الباطل سر می دادند.

می گویند در طول تاریخ به زنان ظلم شده، هویت و ارزش های آنان شناخته نشده است.

اسلام دین کامل است، برای مردان و زنان از جهاتی حقوق مساوی قرار داده است. آنگاه که دختران زنده بگور می کردند. فاطمه (س) بدنیا آمد و سوره کوثر در شأن آن بانوی بزرگوار شیعه نازل شد تا به جاهلیت ارزش و مقام زن نشان داده شود. خانه فاطمه (س) عزیز رسول گرامی (ص) مملو از فرهنگ عشق و محبت و ایثار بود.

چرا هر چه در زمان به جلو می رویم تلاش و کوشش زن بسیار می گردد، کار و فعالیت او از چهار دیواری خانه ها به اجتماع کشیده می شود. زن دکتر و مهندس، مدیر و وزیر می شود. هویت ها شناخته ولی ارزش های معنوی و عواطف خانوادگی کم رنگتر می شود. چرا مادیات حرف اول را می زند؟ و به زوایای دیگر اختیار طلاق در دست زن قرار می گیرد. و کانون گرم خانواده دچار عسر و حرج می گردد. و عشق پدر و مادر به فرزند و فرزند به پدر و مادر جای خود را به بی احترامی و بی مهری می دهد. چرا انسانها حبّ ذاتی دارند؟ رفتارها و کردارهای خود را دوست دارند و اعمال و کردار خود را مهر صحت می گذارند ولی حاضر نیستند به خطای خود اعتراف کنند. اعتراف به کردارها چرا موجب خواری و ذلت می شود؟ ولی از دست دادن جوانان به بهانه های مختلف موجب خواری و ذلت نیست!

چرا جامعه امروز قرار و سکون ندارد. اخلاق در خانواده مسیر خود را گم کرده است، جوانان پر توقع شده اند مردم به یکدیگر اعتماد ندارند. ایمان کم رنگ شده است، نمازگزاران کم شده اند. مساجد بدون جوان جماعت بر پا می کنند. دین تحقیر می شود. قرآن مهجور می گردد. شبهات رنگ و روغن می گیرد و جوابی برای آن نیست. علم بدون عالم مانده است. سنت ها نادیده گرفته می شود. عقیده توحیدی استواری ندارد. فرقهها مانور می دهند. ضعف نفس و انفعال روانی بر اثر سوء تربیت در رفتار و کردار زنان کاملاً مشهود می گردد. فحشاء و کارهای زشت، رواج بی حجابی، به زبانی، چشم هم چشمی، حسادت، کینه، دشمنی، جامعه را می پوشاند و مردان و زنان در لغزشگاهی خطرناک قرار گرفته و به آن مَهر عادت می زنند. مگر انبیاء حق نبودند، مگر کتب اسلامی حق نبودند، مگر ائمه (ع) حق و عدالت را برپا نکردند. مگر شهدای بسیار در راه دین و ایمان جان خود را نثار نکردند. مگر رشد و مبانی فرهنگی و تربیتی به صورت علم فراگیر در اختیار تمام اقشار جامعه قرار ندارد، پس نقص کجاست؟ کار تربیتی چه آسیبی دیده است؟ چرا باید عقل همه چیز را بفهمد و یا جای وحی را بگیرد؟

یک عده روشنفکران دغدغه دینی دارند ولی چرا بیراهه می روند؟

روزی حضرت رسول گروهی از اطفال را نگاه کردند و فرمودند: وای بر بچه های آخرالزمان که هیچ چیز از آموزش های دینی را فرا نگرفته اند. و اگر خودشان در جهت تحکیم آن اقدام کنند جامعه آنها را منع و مسخره می کند و پدران بر تلاش آنها برای رفاه دنیا راضی خواهند شد. آنها از ارزش های من بری می شوند و من هم از آنها.<sup>۹</sup>

حضرت علی (ع) در اوصاف محیط فاسد آخرالزمان می فرماید: صارالفسوق فی الناس نسباً و العفاف عجبا<sup>۱۰</sup> گناهکاری در آن جوامع از اوصاف عادی مردم شده و کف نفس، پاکدامنی و خویشتنداری باعث شگفتی گردیده است. (رواج فرهنگ دنیا گرایی)

خداوند در قرآن می فرماید: «یریدالذین یتبعون الشهوات أن تمیلوا میلاً عظیماً»<sup>۱۱</sup> کسانی که از شهوات پیروی می کنند دوست دارند که شما به انحرافی بزرگتر منحرف شوید. از خانه تا اجتماع، از خانه تا مدرسه، از خانه تا دانشگاه، از خانه تا بهره گیری از اقتصاد و کار و کوشش باید بتوانیم مدیریت فرهنگی ایجاد کنیم.

زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و از موهبت عقلی و خرد برخوردارند. اگر زن بی عقل بود که اسلام آزادی به او نمی داد و او را از نظر حقوق مساوی مرد قرار نمی داد. تنها عیب زن، احساسات و عواطف اوست این است که زن در قضاوت و حکومت و رهبری از مردان عقب می ماند

«انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او اتی بعضکم من بعض»<sup>۱۲</sup>

من عمل هیچ عاملی از شما را اعم از مرد یا زن تباه نمی کنم، شما از یکدیگر بگریزید.

بحث خانواده، بحث گسترده ای است - خانواده شاید متدین و غیر متدین باشد. خانواده ممکن است از نظر فکری با مشکلات عقیدتی روبرو باشد که این بسیار مشکل است زیرا این دسته از خانواده ها یا با منطقی که از راه استدلال های سنجیده و تفکرات با ارزش ناشی از مطالعات خود به آن رسیده اند و موضوع را حل و فصل می کنند و یا تحت تأثیر عواطف خود با مسائل و شبهات روبرو می شوند که این جای نگرانی است.

<sup>۹</sup> - نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷، ص ۳۲۵، فیض الاسلام

<sup>۱۰</sup> - همان

<sup>۱۱</sup> - نساء، آیه ۲۷

<sup>۱۲</sup> - آل عمران، آیه ۱۹۵



زیرا این گونه مسائل پیچیده، آگاهی و اطلاعات لازمه خود را می‌طلبد. مطلب بعدی قابلیت خانواده است. قابلیت که خوب و بد را در فرد ایجاد کند و بعد او را وارد اجتماع کند. مسئولیت بزرگ با مادران است مادران هستند که جهت دهی فکری و فرهنگی خانواده را بعهده دارند.

مادران هستند که محیط های آموزشی بیرون را بعد از آموزش خانواده و مطابق با نیازهای فرهنگی و عقلی خانواده مطابق با نیازهای حسی، انتخاب می‌کنند و مراقبت لازم را در محیط های گوناگون برای فرزند خود دارند.

این مادران سازندگی را ارج می‌دهند. پس در خانه محیط تفاهم و همکاری ایجاد می‌کنند و روابط روحی و روانی شایسته ای را در بین افراد خانواده رواج می‌دهند. می‌دانند کجا جاذبه بکار ببرند و کجا دافعه، مؤمن هستند پس حسن خلق دارند، بد اخلاقی گزینه آنها نیست، نیازهای خانواده، مهر و محبت و عطوفت را درک کرده و برای فرزندان و همسر خود کم نمی‌گذارند و مراقبت می‌کنند تا فردی شایسته را تحویل اجتماع دهند.

دیگر مادرانی هستند که لغزش های اخلاقی و رفتاری و دینی بسیاری دارند. آنان نه تنها خویشتن را نمی‌شناسند بلکه رفع نیازهای خود و خانواده را از نظر جسمی و روحی و دینی درک نمی‌کنند. همدلی و همراهی با همسران ندارند. همسران به دنبال کار خود و آنان کم اهمیت به مسئولیت بزرگ خود هستند، و خانواده آنان غالباً زودرنج، بدون روح اطاعت و تواضع سعی می‌کنند خلاء عاطفی خود را از شیوه ها و طریق های حرام پر کنند.

زیرا حلال را از حرام تشخیص نداده و گاهی آن دو را جابجا قرار می‌دهند. پس حیثیت و شرف خانوادگی را به مرور از دست داده و نه تنها خود را نابود می‌کنند بلکه دیگران را به خرمن سوزی عقل دعوت می‌کنند. فرزندان چنین خانواده ای ایمان را نچشیده و آن را حس نمی‌کنند زیرا در تمام دوران زندگی به طریق شایسته و تعبیرات شایسته دین را لمس نکرده و نشنیده اند و زندگی را گذران دنیا می‌دانند بدون تعریف آخرت و عقاب و ثواب آن.

آنجا که زن در خانواده ارزش خود را به ثبوت نرساند و از احساسات و عواطف و بینش و بصیرت دینی و عقلی خود استفاده نکند و خود را به سوی منویات سوء بکشاند این همان زن ناقص است که فرهنگ را نمی‌شناسد و دین را نمی‌شناسد و از جهت عقلی رشدی ندارد.

این یه لکون إلا آنفسهم وما یشعرون<sup>۱۳</sup>

جزء خود را هلاک نمی‌کنند در حالی که نمی‌دانند.

اگر فاطمه، فاطمه است چون علی، علی است. امام علی (ع) می فرمایند: فرزندان خود را به رعایت آداب خویشتن وادار نکنید زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.<sup>۱۴</sup>

اگر این سخن از مولای ما گفته شده معنای آن این نیست که شیوه دینی و مذهبی در خانواده سرکوب شود و آزادی را برای خود و جوانان آزادی بی عفتی و بی قیدی و بی غیرتی معنا کنیم. پیشرفت علم و تکنولوژی و شناخت قابلیت ها و استفاده از علوم و تکنولوژی برای فرد، فرد خانواده، لازم است و خانواده نباید از آن دور بماند.

پرده حرمت باید شناخته شود زیرا این دنیا محل آزمایش است و محل بهره گیری برای آخرت پس باید بدانی تا زندگی کنی، باید بدانی که بشناسی. باید بدانی که تکامل یابی. باید بدانی تا عزت یابی، باید بدانی که خوار نشوی، باید بدانی که تربیت کنی، باید بدانی تا نظارت دقیق بر کار و مسئولیت و وظایف داشته باشی، باید بدانی تا عدالت را بشناسی، باید بدانی که از جهل دور بمانی، باید بدانی که با نفس اماره مبارزه کنی، باید بدانی که از گناه دوری کنی، باید بدانی تا درست عمل کنی، باید بدانی تا رب خود را بشناسی. باید بدانی تا پیغمبر را بشناسی، باید بدانی تا خوارج را در دامن خود تربیت نکنی. باید بدانی تا به جنگ خدا نروی، باید بدانی تا عرفان واقعی را بشناسی و از عرفان کاذب دوری نمایی، باید بدانی تا سکورلار و لائیک و بهائیت و فریق ضاله گمراهت نکند. باید بدانی تا برای خود و آخرت خود توشه برگیری، باید بدانی تا مغرور نشوی، باید بدانی تا از شرک دور بمانی، باید بدانی تا به خود و دیگران خیانت نکنی، باید بدانی تا راه ائمه (ع) را ادامه بدهی و شیعه را تقویت کنی. باید بدانی و بشناسی مسئولیت دینی را که دین و عقل و حیا از هم جدا نیست! باید بدانی و بشناسی حق همسران را به یکدیگر، پس در پناه این علم بیراهه نمی روی، خودخواه نمی شوی، خدا آگاه می شوی و می فهمی و درک می کنی که رضایت خدا در رضایت همسر است، خوب همسرداری کردن و فرزندان شایسته تربیت کردن جهاد زن در دنیاست که در آخرت بی نصیب نمی ماند و جایگاه با ارزش را کسب خواهد کرد.

ای مادر، پایداری زندگی در دست توست. زیباییهای زندگی در دست توست. رفع نگرانی و اضطراب و استرس در خانواده با تسلط و بردباری تو به آرامش تبدیل می شود. فکر سالم تو عقاید و باورهای دینی تو آرامش را برای خانواده به همراه دارد. چون تو خود را شناخته ای و هدف از زندگی را در پرورش صحیح روح و جسم افراد خانواده پیاده کرده ای. فرهنگ تو در سیاست تو، سیاست تو در فرهنگ توست و نگاه تو در عمق روح و جان اهل خانه آرامش می دهد. چون تو آرامش را در ضمیر ناخودآگاه خود باور ساخته ای. پس از همسر و فرزندان از نظر عقیدتی و شیوه زندگی سالم دور

<sup>۱۴</sup> - نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۳۶۷

نمی‌مانی. آنان را درک می‌کنی، آنان را می‌فهمی و آنان تو را درک می‌کنند دردها را می‌شناسی با دردها غریبه نیستی و راه معالجه اش را می‌دانی.

ای مادر، ای بزرگوار، زندگی در ژرفای عمیق خود، پستی‌ها و بلندیها دارد، نگرانیها و غم‌ها دارد اگر تو به زندگی روزمره بطور معمول نگاه کنی. شب را به روز و روز را به شب برسانی و هدف پر کردن شکم‌های اهل خانه باشد، و به دنبال تجمعات ساعت‌ها را بگذرانی و زندگی را بدین زاویه ببینی، صدر صد بی‌هدفی در زندگی شکل می‌گیرد و حاصل آن جزء افکار مغشوق و در هم بر هم چیز دیگری نیست.

باید روح انسانی به روح معنوی گره بخورد تا انسان از زندگی سالم برخوردار باشد. اگر روح معنوی در زندگی رخت بر بندد شادی و نشاط روحی از خانه دور می‌شود و افراد خانواده به دنبال ارضاء خود و یافتن کمبودهای خود و بر طرف کردن خلاء‌های خود بیراه رفته و در دام شیاطین در کمین نشسته می‌افتند که بصورت تار عنکبوت لانه کرده تا طعمه را به دام اندازد.

مادر با برنامه ریزی صحیح خود برای اهل خانه، هدفمندی در زندگی را آموزش می‌دهد و می‌تواند خانواده را بسوی کمال پیش ببرد. شخصیت اهل خانه در پرتو بصیرت و نگرش عملی و دانایی مادر شکل می‌گیرد چون دیگر سؤالی نمی‌ماند که بی‌پاسخ مانده باشد و مسائل موجود در خانواده لاینحل نمی‌ماند و قابلیت‌ها شناخت می‌شود.

بدین‌گونه افراد در خانواده خود را یافته و از معضلات دوری می‌کنند و هر روز خود را به شکل و رنگی آراسته نمی‌کنند تا نیازهای روحی خود را نمایش دهند.

ای مادر، راه موفقیت در زندگی، شناخت اطرافیان است. مشورت با دیگران بسیار مفید و اثربخش است. باید دیگران را بشناسی تا با افراد نالایق مشاوره نکنی.

و به تلاش و کوشش مفید خود اعتماد کامل داشته باش چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

ای مادر تو در شیوه مدیریت و جهت‌دهی فکری و فرهنگی خانواده نقش اول را داری پس در این راه سعی بسیار کن. تو باید در فکر نجات روح و فکر و فرهنگ خانواده خود باشی. ناامید نباش.

اگر مشکلاتی در زندگی رخ دهد با بصیرت و عقل و تفکر و یافتن راه‌چاره مناسب آن را سریعاً حل کن تا کهنه نشود. بخاطر مشکل موجود در زندگی اعتماد به نفس را از دست نده که در وظیفه تربیتی خود سست خواهی شد.

عصبانیت را کنترل کن، تا مهارت خود را در هدف بزرگ «سازندگی» حفظ کنی. عصبانیت معیار بی ارزشی است. عصبانیت ضعف ایمان و اخلاق است، عصبانیت راه و رسم شیطان است. مهر و محبت و دوستی به یکدیگر ارزشمند است. عشق و دوستی زیربنای موفقیت در اهداف زندگی است. دردهای روحی و جسمی یکدیگر را با ایجاد عشق و دوستی بر طرف کنی تا باری از دوش یکدیگر بردارید.

یک خانواده موفق اصول فرهنگی صحیح را در زندگی خود تداوم می بخشد و به آن اصول پای بند می گردد و خلاف نمی کند ارزش ها را تحت نفوذ جریانات غربی و تهاجم فرهنگی قرار نمی دهد.

خانواده موفق زیبا عمل می کند، زیبا می اندیشد. زیبا بهره برداری می کند. بی ارزشی ها را دفن می کند. درد را می شناسد درمان را هم می داند. اهل خانه از هم جدا نیستند در کنار هم به ریسمان خداوند و اهل بیت (ع) چنگ می زنند. طاعت الهی از خانواده دور نمی شود. عرفانهای کاذب را می شناسند. دور شدن از خدا را ضلالت و گمراهی می دانند. مفهوم کتاب الهی را می شناسند پس در اخلاق و سیاست و هنر و فرهنگ و احکام دین موفقند. مادر آگاه در یک خانواده پازلها را بجا و به مقدار لازم مطابق روحیه خانواده در جای خود قرار می دهد.

ای مادر بدان اگر پازل های تو رنگ هرج و مرج، بی دینی، بی حیایی، از همه مهمتر خودخواهی باشد، مکانی ندارد، آرامشی ندارد، خود را گمراه کرده، دیگران را نیز گمراه می کند پس در پیشبرد اهداف با شکست مواجه خواهی شد هر چند ظاهری آراسته و قابل توجه داشته باشی.

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: یُحَسِّنُ الْخَلْقَ يَطِيبُ الْعَيْشَ. اخلاق نیک زندگی را شیرین و گوارا می کند.

اصالت خانوادگی و اصالت اخلاقی در وجود انسان پاک بروز می کند، پیروز آن کسی است که تقوی الهی را سرلوحه زندگی خود قرار دهد. پیروزی، امتیاز بزرگی است که قابلیت ها را محک می زند پیروزی نصیب کسی می شود که کنترل میدان مبارزه را بطریق صحیح در دست گرفته باشد.

مادر موفق به هدف می اندیشد پس برای رسیدن به هدف که تربیت فکری و فرهنگی خانواده است تلاش می کند زیرا وقتی پیروزی است، شکست معنا ندارد، باختن جای مانور ندارد. پس استعدادهای فرزندان را در جهت بارور شدن تقویت می کند، آموزش می دهد، مراقبت می کند تا انگیزه نا سالم در رشد فکری و فرهنگی خدشه وارد نکند او را از میدان خارج نکند.

امروزه موفقیت زنان در رشته های گوناگون جای بسی تعجب است ۲۷۲ هزار و ۵۰۳ نفر در بخش آموزش عالی اعم از دولتی و غیر دولتی فعال هستند. تعلیم و تربیت، آموزش، کلاس های مختلف، تجربه های متفاوت، سازندگی و بهره

برداری از علم، این همه وسعت، این همه کار و کوشش مضاعف برای زنان، آیا می تواند جایگاه مادر را در خانه توصیف کند.

برای زنان همه چیز مهیا شده است، ولی عشق و محبت به خانواده، تقویت فکر و تعقل در فرزندان و حفظ ارزش های تعلیم و تربیت و حفظ ارزش های ناشی از رعایت حقوق همدیگر و حفظ فرهنگ ایرانی که از خانه و خانواده ریشه می گیرد، همه و همه در چهاردیواری خانه بدون چراغ روشنایی تنها مانده که این چراغ با وجود مادر در خانه همیشه روشن می گردد و روشن می ماند تا تالو وجود و شیره وجودش همچون انرژی در اختیار اطرافیان باشد.

کجاست آن نقاش ماهر که فرزند را در آغوش مادر قرار می داد و نگاه آن دو را عاشقانه و وجودشان را در هم گره می زد. کجاست آن صفا و صمیمیت بین مادر و خانواده تا عقده ها بروز نکنند. تا هدفها بارور شود. تا جریان فرهنگی خود را از تهاجم فرهنگی غرب حفظ کند. تا بداند اصالت ایرانی و ایرانی بودن در همان شیوه ایرانی زندگی کردن است. و یا اصالت ایرانی در شیوه حفظ اسلام ایرانی است نه حفظ اسلام آمریکایی و یا اسلام انگلیسی.

اگر خانواده ایرانی زمینه آلودگی فرهنگ ایرانی را چه خواسته و چه ناخواسته مهیا سازد در عزت، شرف، آبرو، اصالت، وقار، آرامش، هدفمندی، بزرگواری، فهم، شعور جای رشد ندارد همچنانکه اگر دو خدا بود، هر آینه فساد جامعه را نابود می کرد و اعتقادات از بین می رفت و هرج و مرج رواج می یافت زیرا خداوند یگانه است و شریک برای خود قبول نمی کند.

امام صادق (ع) به شخصی فرمودند: «تو را طبیب نفس خود کرده اند و درد را برای تو بیان نموده اند و علامت صحت را به تو شناسانیده اند و تو را به آن راهنمایی کرده اند. پس نظر کن چگونه بکار خود قیام می نمایی»

ای مادر نفس خود را پاک دار، بیاموز آنچه که تو را به کمال می رساند که بدانی و تربیت کنی و دل خود را قرین فرزند خود سازی و همنشین خوبی برای فرزندت باشی تا فرزندت هرگز از تربیت فکر و فرهنگ تو خارج نشود. فرهنگی سالم مطابق با موازین اسلامی، شیعه، فرهنگی که بتواند در چالش ها خود را حفظ کند، فرهنگی که زیبایی فکر را به تصویر بکشد، فرهنگی که عزت را برای خانواده ترسیم کند که اگر فرزند دچار بی هویتی شد، آنجا مادر و پدر محکوم است که شیوه درست را پی ریزی نکرده اند.

باشد بدانیم تا عمل کنیم، عمل کنیم تا عزت یابیم، عزت یابیم تا کمال را مسیر خود قرار دهیم. و خانواده را به سعادت دنیا و آخرت برسانیم. انشاء الله

**والسلام علی من اتبع الهدی**

منابع:

- ۱- علامه طباطبائی - تفسیر المیزان
- ۲- شهید مرتضی مطهری - سیری در نهج البلاغه
- ۳- نهج البلاغه فیض الاسلام -
- ۴- شهید مرتضی مطهری - نظام حقوق زن در اسلام